

ارزیابی عملکرد اقتصادی چین در آفریقا

از همان ابتدای تشکیل نظام کمونیستی چین در اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی، نگاه راهبردی به آفریقا در سیاست خارجی چین شکل گرفت. برنامه دولتمردان آن روز چین، توسعه مناسبات با آفریقا در چارچوب ایدئولوژی کمونیسم دهقانی و با هدف کمک به کشورها و نهضت‌های آزادیبخش در فضای انتقالی از استعمار آفریقا به سوی استقلال آن تعریف گردیده بود. سپس با تغییر فضای جهان در عصر پس از جنگ سرد و همزمان با پیشبرد برنامه اصلاحات اقتصادی در چین در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی نوع نگاه به سمت و سوی اقتصادی تغییر جهت داد. امروزه مهمترین اهداف چین از توسعه مناسبات با آفریقا نیاز این کشور به انرژی و مواد خام قاره سیاه و ایجاد روابط دیپلماتیک برپایه رعایت منافع فیما بین شکل گرفته است. در این گزارش سعی شده ضمن مروری بر روند تاریخی شکل‌گیری مناسبات چین با آفریقا عملکرد اقتصادی آن کشور مورد بازنگری قرار گیرد.

مقدمه - پیشینه روابط

نظام کمونیستی چین از همان سال تأسیس به دلایل مختلف از جمله عدم به رسمیت شناخته شدن توسط قدرت‌های بزرگ و تحت محاصره قرار گرفتن بین دو قدرت غالب در فضای پس از جنگ دوم جهانی، راهی جز پناه بردن به سیاست رو به توسعه اقتصادی نداشت. از این رو در اواخر ۱۹۵۰ میلادی با امضای اولین موافقتنامه دو جانبه رسمی با کشورهای الجزایر، مصر، گینه، مراکش و سودان، سیاست نگاه به آفریقا را با ایده حمایت از کشورها و جنبش‌های آزادیبخش در آن قاره، در ابعاد اقتصادی، فنی و نظامی، آغاز نمود. در این بین بسیاری از دولت‌های آفریقایی تازه استقلال یافته نیز به دلیل آنچه در آن اوان سیاست عدم

توسعه طلبی چین در آن قاره عنوان می‌شد، به سوی چین گرایش پیدا کردند.

سیاست اقتصادی چین در دوره اصلاحات

در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، سیاست‌های اقتصادی دنگ شیائوپینگ با هدف ارتقای جایگاه چین به عنوان یک قدرت اقتصادی مطرح گردید.

اهداف چین در آفریقا بر محورهای زیر قرار داشت:

- ۱- تضمین بازار تولیدات صادراتی چین
- ۲- افزایش قدرت و منزلت چین در صحنه بین‌المللی به عنوان یکی از رهبران پیشرو کشورهای در حال توسعه
- ۳- رقابت با تایوان برای به رسمیت شناخته شدن دیپلماتیک از سوی دولت‌های آفریقایی و محدود سازی آن کشور

بتدریج با پایان جنگ سرد چین کوشش نمود در قالب مدافع یا حامی کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای آفریقایی در صحنه بین‌المللی ایفای نقش کند و سیادت خود را بر کشورهای مذکور نشان دهد که البته این امر توفیقی در پی نداشت، زیرا نگاه کشورهای آفریقایی به چین تنها به عنوان یک شریک اقتصادی مناسب بوده که توانایی اعطای کمک‌های مالی، ارائه خدمات تخصصی، عرضه کالاهای تجاری و حمایت دیپلماتیک از آنها، در نهادهای بین‌المللی را داراست.

قرن ۲۱، طلوع عصر نوین در مناسبات چین با قاره آفریقا

با شروع قرن جدید میلادی، سیاست راهبردی چین در قاره آفریقا متفاوت از دهه‌های گذشته و بر پایه مبانی زیر شکل گرفت:

۱- دسترسی به انرژی و مواد خام آفریقا با استفاده از سرمایه‌گذاری

در واقع مهمترین اولویت سیاست خارجی چین، امنیت انرژی بوده است. در این بین قاره آفریقا از لحاظ تأمین انرژی برای چین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بستر سازی برای تحقق این هدف، نخستین گامی است که باید برداشته می‌شد. امروزه بیش از ۳۰ درصد از نیاز نفتی چین از آفریقا به ویژه کشور آنگولا تأمین می‌شود. اعطای بیش از ۵/۵ میلیارد دلار کمک به کشورهای آفریقایی، بخشودگی بدهی ۳۱ کشور فقیر آفریقایی، مشارکت در اجرای پروژه‌های زیر بنایی از جمله شبکه راه آهن نیجریه، مرمت جاده‌ها در رواندا و احداث چندین پل، سد، استادیوم و بندرگاه در سایر کشورها، در جهت تحقق هدف یاد شده است.

۲- برقراری روابط دیپلماتیک بر پایه رعایت منافع فیما بین

چین با بهره‌گیری از آرا و مواضع کشورهای آفریقایی همسو، زمینه محدود سازی تایوان به عنوان یک طرف تجاری در آفریقا را در کنار سایر دستاوردها از جمله حمایت مؤثر کشورهای آفریقایی از برگزاری بازی‌های المپیک در چین در سال گذشته را کسب نموده است. در مقابل نیز حتی‌الامکان جلو اقدامات تند مجامع بین‌المللی و کشورهای غربی در رابطه با محکومیت برخی از کشورهای آفریقایی به دلیل آنچه نقض حقوق بشر خوانده شده، گرفته است. در این رابطه برای نمونه باید به بحران رواندا در دهه پایانی قرن ۲۰ و مسأله دارفور در قرن جاری اشاره نمود.

طراحی مجمع اقتصادی چین - آفریقا

در اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی دولت چین اقدام به تعریف جدیدی از روابط خود با قاره مذکور نمود که مهمترین آن طراحی شکل‌گیری اجلاس مشترک با سران کشورهای آفریقایی تحت عنوان مجمع همکاری چین - آفریقا^۱ بود که در اکتبر همان سال اولین جلسه آن در شهر پکن برگزار گردید و طی آن سازوکاری برای گسترش روابط دیپلماتیک، تقویت مناسبات تجاری و افزایش میزان سرمایه‌گذاری چین در کشورهای آفریقایی، ایجاد شد.

دومین اجلاس مجمع همکاری چین - آفریقا نیز در دسامبر ۲۰۰۳ در شهر آدیس آبابای اتیوپی تشکیل شد که در آن علاوه بر کوفی عنان (دبیر کل سابق سازمان ملل) و ون جیابائو نخست‌وزیر چین و سایر رهبران آفریقایی، بیش از ۲۵۰ شرکت آفریقایی و ۱۵۰ شرکت چینی نیز شرکت داشتند.

1- Forum on China-Africa Cooperation (FOCAC)

سومین مجمع همکاری چین و آفریقا - تدوین اصول مشترک راهبردی

در سومین اجلاس مجمع همکاری چین و آفریقا که با حضور سران اکثر کشورهای آفریقایی در نوامبر ۲۰۰۶ در شهر پکن برگزار شد، برنامه همکاری‌های میان مدت بین چین و کشورهای آفریقایی در خلال سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۷ مورد تصویب قرار گرفت.

همچنین چارچوب همکاری‌های راهبردی مشترک چین و آفریقا مبتنی بر اصول زیر شکل گرفت: برابری و اعتماد متقابل سیاسی، منافع مشترک اقتصادی و تبادلات فرهنگی

ره آورد سومین اجلاس مشترک چین و آفریقا

- ضرورت افزایش حجم مبادلات تجاری بین چین و قاره آفریقا تا سقف ۱۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۰^۱.

- با توجه به توانمندی آفریقا از حیث منابع طبیعی و مستعد بودن جهت توسعه اقتصادی، چین باید از طریق سرمایه‌گذاری، انتقال دانش فنی و برقراری روابط متضمن تأمین منافع متقابل و مبتنی بر اصل برنده - برنده^۲، به توسعه اقتصادی و رفاه در آن قاره، مساعدت نماید.

هو جین تائو رئیس جمهوری چین در اجلاس مذکور تدابیری برای بسط مناسبات اقتصادی با قاره آفریقا به شرح زیر ارائه داد:

۱- دو برابر شدن سقف کمک‌های مالی چین به آفریقا (نسبت به سال ۲۰۰۶) تا سال ۲۰۰۹؛

۲- اعطای ۳ میلیارد دلار وام با بهره ترجیحی به کشورهای آفریقایی

۳- اعطای ۲ میلیارد دلار اعتبار برای خرید کالاهای چینی با شرایط نازل ظرف سه سال تا ۲۰۱۰

۴- ایجاد یک صندوق ویژه سرمایه‌گذاری در آفریقا با تخصیص پنج میلیارد دلار اعتبار

۵- بخشودگی قسمت اعظم بدهی‌های کشورهای عقب‌مانده آفریقایی

۶- تربیت ۱۵۰۰۰ متخصص از کشورهای آفریقایی توسط چین تا سال ۲۰۱۰

در خلال برگزاری اجلاس یادشده، اتاق بازرگانی مشترک چین و آفریقا نیز با هدف گسترش مناسبات تجاری چین و کشورهای آفریقایی گشایش یافت.

در حاشیه اجلاس نیز قراردادهایی به ارزش ۱/۹ میلیارد دلار در مجموع، بین شرکت‌های چینی و ۱۱ کشور آفریقایی به امضا رسید.

لازم به ذکر است بنابر اعلام چن دمنینگ وزیر بازرگانی چین در مارس ۲۰۰۹، تدابیر اعلام شده از سوی رئیس جمهور این کشور در جریان سومین مجمع مشترک چین و آفریقا در سال ۲۰۰۶ به طور کامل به اجرا در آمده است.

وی در ادامه موارد زیر را اعلام داشت:

- افزایش سقف کمک‌های چین به کشورهای آفریقایی تا میزان دو برابر در سال جاری

- اعلام بخشودگی وام‌های کشورهای کمتر توسعه یافته آفریقا، بالغ بر ۱۶۸ مورد و به ارزش ۱/۴ میلیارد دلار

- تشویق مؤسسات اقتصادی چین به سرمایه‌گذاری در آفریقا از طریق تأسیس صندوق توسعه آفریقا که در نظر است رقم موجودی آن به سقف ۵ میلیارد دلار برسد.^۳

- ایجاد مناطق آزاد تجاری در آفریقا از جمله منطقه تجاری مشترک در زامبیا، دو منطقه آزاد تجاری مشترک

۱. لازم به ذکر است تنها در سال ۲۰۰۸ مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار از صندوق مذکور جهت پوشش دادن به ۲۰ پروژه مختلف سرمایه‌گذاری در قاره مذکور برداشت شده که با احتساب آن، رقم بهره‌برداری شده تا پایان سال گذشته میلادی بالغ بر ۲ میلیارد دلار بوده است.

۱. لازم به ذکر است این امر دو سال زودتر محقق گردید. بر اساس آمار منتشره در پایان سال ۲۰۰۸، حجم مبادلات تجاری چین و آفریقا بالغ بر ۱۰۶/۸ میلیارد دلار بوده است.

در نیجریه شامل منطقه آزاد تجاری در شهر گوانگ دونگ و منطقه آزاد تجاری لکی در شهر لاگوس، همچنین یک منطقه آزاد تجاری در مصر (سوئز) و تأسیس پارک صنعتی شرق اتیوپی

- کاهش یا حذف تعرفه در خصوص ۴۴۰ قلم واردات از ۳۱ کشور کمتر توسعه یافته آفریقا شامل اقلامی چون: تولیدات کشاورزی، مواد معدنی و سنگی، چرم و پوست خام، منسوجات، البسه، وسایل و ماشین آلات برقی که البته فرآیند امر موجب سودآوری ۶۸۰ میلیون دلاری کشورهای مذکور طی دو سال اخیر گردیده است.

- تخصیص برنامه آموزشی برای ۱۰ هزار نفر از ۴۹ کشور آفریقایی و برنامه اعزام ۱۰۰ نفر کارشناس فوق تخصص چینی در زمینه‌های مختلف، جهت آموزش کارشناسی به ۳۵ کشور آفریقایی، تا پایان سال ۲۰۰۹.

- احداث ۳۰ بیمارستان، ۳۰ مرکز معالجه مالاریا در کشورهای کمتر توسعه یافته آفریقا، که بر این اساس نیمی از تعهدات آن کشور در این رابطه به اتمام رسیده است.

ارزیابی کارنامه چین در آفریقا

براساس اعلام نظر بسیاری از تحلیلگران، چین نمونه موفق سرمایه گذاری در آفریقا به‌شمار می‌آید. امروزه بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی در قاره آفریقا براساس کمک‌های فنی و علمی ارائه شده از سوی چین انجام می‌گیرد. همچنین هزاران دانشجوی آفریقایی در دانشگاه‌های چین مشغول به تحصیل هستند.

همان طور که پیشتر نیز عنوان گردید چین به کشورهای آفریقایی به چشم متحدان بالقوه نگاه می‌کند، تا جایی که در جریان مسأله دارفور در سودان و اقدامات تنبیهی علیه موگابه در زیمباوه، در برابر دول غربی ایستادگی نمود.

چین به روش‌های گوناگون کوشش می‌کند که حجم مناسبات تجاری خود را با قاره آفریقا گسترش دهد و بخشی از نیازهای خود را به مواد اولیه و کالاهای اساسی از این قاره تأمین نماید.

در پنجاه سال گذشته، روابط چین و آفریقا به یکدیگر نزدیکتر شده و طرفین سعی کرده‌اند بر اساس اصل اعتماد متقابل و رعایت منافع فیما بین، این مناسبات را گسترش دهند و اکنون از مجموع ۵۳ کشور آفریقایی، ۴۸ کشور با چین روابط دیپلماتیک دارند.

البته همان طور که قبلاً نیز اعلام شد روابط چین و آفریقا از سال ۲۰۰۰ میلادی به این سو، از شتاب بیشتری برخوردار بوده است. حجم مبادلات تجاری چین با آفریقا در سال ۲۰۰۰ با رقم ۱۰/۶ میلیارد دلار آغاز و طی سال‌های بعد به سرعت افزایش یافت تا جایی که این رقم در پایان سال ۲۰۰۸ به سطح ۱۰۶/۸ میلیارد دلار رسید که بسیار فراتر از انتظارات چین بود.

بزرگترین شرکای تجاری چین در آفریقا طی سال ۲۰۰۸، عبارت بودند از: آنگولا ۲۴ درصد، آفریقای جنوبی ۱۷ درصد، سودان ۸ درصد، نیجریه ۷ درصد و مصر ۶ درصد. حجم مبادلات تجاری با کشورهای یاد شده در مجموع ۶۲ درصد از کل میزان همکاری‌های تجاری چین با آفریقا، را تشکیل می‌دهد.

کشور چین از طریق اعطای کمک‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی در کنار انعقاد موافقتنامه‌های تجارت آزاد، همکاری‌های فنی، تربیت نیروی انسانی و بخشش بدهی کشورهای فقیر قاره آفریقا پایه‌های حضور خود در آن قاره را بیش از پیش مستحکم نماید.

مضاف بر آن در کنار سایر حوزه‌های همکاری، بانک صادرات - واردات چین^۱ نیز در پنج سال اخیر حجم فعالیت‌های خود در زمینه پوشش مالی طرح‌های اقتصادی و صنعتی در آفریقا را به شدت گسترش داده است.

بخشی از موارد مذکور ذیلاً اعلام می‌گردد:

- اعطای ۲/۳ میلیارد دلار اعتبار به دولت موزامبیک برای تأمین هزینه‌های سد Mepanda Nikua و کارخانه برق آبی مرتبط با آن.

- اعطای ۱/۶ میلیارد دلار وام به دولت نیجریه برای اجرای یک پروژه نفتی.

- اعطای ۲۰۰ میلیون دلار اعتبار صادراتی با بهره پائین برای خرید نخستین ماهواره مخابراتی نیجریه از کشور چین.

- واگذاری ۲ میلیارد دلار خط اعتباری به آنگولا و بررسی زمینه پرداخت ۹ تا ۱۰ میلیارد دلار اعتبار دیگر به این کشور طی برنامه زمانی بلند مدت.

- موافقت با پرداخت ۱/۲ میلیارد دلار اعتبار جدید به کشور غنا که تنها ۶۰۰ میلیون دلار آن جهت احداث سد Bui می‌باشد.

نتیجه

روابط با قاره آفریقا به‌رغم جایگاه والای آن در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و متفاوت بودن نوع نگاه ایران در رابطه با آن نسبت به چین و سایر کشورهای فعال در عرصه کار اقتصادی با آفریقا (به دلیل اینکه قریب به ۵۰ درصد از مجموع ۸۰۰ میلیون نفر جمعیت آفریقا، مسلمان می‌باشند)، متأسفانه در بعد اقتصادی از منزلت شایسته برخوردار نشده است. لذا با عنایت به لزوم توسعه مناسبات اقتصادی با آفریقا، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- استفاده از تجربیات موفق سایر کشورها به ویژه چین در ایجاد مجمع مشترک اقتصادی با آفریقا.

- ضرورت پیگیری اجرای توافقات انجام شده با آفریقا که قریب به ۳۰۰ سند، اعم از یادداشت تفاهم و قرار داد می‌باشد.

- ضرورت تدوین برنامه راهبردی معین جهت کار با هر کشور در قاره آفریقا، متناسب با ظرفیت‌های واقعی آن، در این رابطه انجام مطالعات پایه‌ای در مراکز علمی و دانشگاهی کشور و تدوین چارچوب استراتژی مشخص جهت کار بلند مدت اقتصادی با آفریقا توصیه می‌گردد.

- شناسایی طرح‌های قابل اجرا در آفریقا و ترغیب بخش خصوصی به مشارکت فعال با بهره‌گیری از چتر حمایتی دولتی در قالب ایجاد صندوق مشترک سرمایه‌گذاری در آفریقا و به منظور سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مشترک مرتبط با تولید کالا و خدمات و یا اجرای مختلف از جمله طرح‌های عمرانی.

- تشکیل یک مرکز مشخص با هدف انسجام در تصمیم‌گیری در قبال کار با آفریقا و هماهنگی تمامی دستگاه‌ها با مرکز مذکور.

- ارزیابی پروژه‌های خدمات فنی و مهندسی در کشورهای آفریقایی و زمینه‌سازی مشارکت شرکت‌های توانمند ایرانی در آن عرصه.

- بررسی راهکارهای کاهش هزینه حمل و نقل کالا از ایران به قاره آفریقا و بالعکس.

- ایجاد اتاق‌های مالی بازرگانی مشترک با کشور آفریقایی که امکان توسعه مناسبات تجاری با آنها وجود دارد.

- توسعه همکاری بانکی ایران با کشورهای مهم قاره آفریقا، با هدف پوشش دادن سایر مناطق قاره.

فرامرز جنتی

نماینده‌گی جمهوری اسلامی ایران - یکن

۱. بانک صادرات - واردات چین با هدف ارائه تسهیلات در مبادلات خارجی در سال ۱۹۹۴ تأسیس شده است.